

کامل خیرخواه

این کمبود يك کمبود كاملا ظاهري است و با توجه به
مسئوليتهاى مالى مرد درمقابل خانواده ، سهميه ارث زن
بیشتر است

از مسایلی که از نظر برخی مسورد اعتراض
قرار گرفته و جنجال برانگیخته است مسأله
تفاوت ارث زن و مرد است .

می گویند : آیا این تبعیض و امتیاز میان
آن دو ، دلیل براین نیست که اسلام نیز از رسوم
و آداب معمول عصر خویش که در آن زمان از
تحقیر زن و تفوق مرد حکایت داشته ، تأثیر پذیرفته
است ؟ آیا وجود تبعیض بین زن و مرد در مورد
ارث قابل انکار است ؟ اصولا چه ضرورت منطقی
ایجاب کرده که « سهم الارث » زن در اسلام
کمتر از مرد باشد ؟

تفاوت بین زن و مرد در این موضوع و نیز
در یکی دو مورد دیگر موجب شد که روشنفکران
غرب زده هوارها بکشند و فریادها بر آرند که
ای وای این دیگر چه حکم ظالمانه ای است که
اسلام در حق زنان مقرر داشته ، چرا باید حق
زن و مرد در «سهم الارث» با هم برابر نباشد؟

* * *

در پاسخ به این چراها یا به تعبیر صحیتر به
ایرادها باید گفت:

اولا مطالعه و تحلیلی تک تک مسایلی
اسلامی به عنوان يك مجموعه غیر منسجم و به
اصطلاح يك «تافته جدا بافته» و سپس به داوری-
نشستن و گفتن اینکه حقوق و احکام اسلام ،

چرا ارث زن کمتر از مرد است



معتدل یا منطقی نیست اشتباهی است بس بزرگ! نموده است .
دستورها و احکام اسلام برخلاف پندار بی- برای اینکه راز کم شدن حق ارث زن و مسایل
خیران از مسایل اسلامی ، با هم کاملاً مرتبط و مربوط به آن به درستی روشن شود ، لازم است
و منسجم است .

چنانچه مسایل اسلامی را با توجه به ارتباط پیشینیم .

آنها با هم مطالعه کنیم در داوری مان هرگز تصور مهر چر ؟

اینکه احکام اسلام غیر معتدل است یا اجرای می دانیم که اسلام به نفع زنان «مهر» رادر
آن ایجاد مشکل می کند ، در مغزمان خطور ازدواج ، بر مردان واجب کرده است گرچه برخی
نخواهد کرد .

مثلاً برای بسیاری از مردم حتی آنان که داعیه ای دستور آسمانی اسلام آگاه نیستند از آن انتقاد
روشنفکری دارند این ایراد و مطرح است که کرده و ایراد گرفته اند .

چرا اسلام ارتکاب فحشاء و اعمال غریزه جنسی ، مثلاً خانم نویسنده ای در کتاب «انتقاد بر
را به سبک غرب و اروپا حرام و ممنوع اعلام قوانین اساسی ومدنی» فصلی زیر عنوان مهر ؟
کرده است ؟ در حالیکه خودداری و اجتناب از آکسوده و با طمن و طنز می نویسد: (۱)

آن برای بسیاری از جوانان ، سخت مشکل و «همچنانکه برای داشتن باغ یا خانه یا اسب
دشوار است .

اما باید توجه داشت اگر اسلام از یکطرف زن هم باید پولی از کیسه خرج کند « (۲)

ارتکاب فحشاء را به جهت يك سلسله مصالح نویسنده دیگری در این مورد می گوید:
اجتماعی تحریم کرد که برای برخی دشوار و «چون زن و مرد مساوی آفریده شده اند پرداخت
مشقت بار است از طرف دیگر ازدواج را نیز بدون بها یا اجرت از طرف یکی به دیگری منطقی و دلیل
هیچگونه تکلفات، تشریفات و توقعات برای کسانی عقلانی ندارد ، زیرا همانگونه که مرد احتیاج
که خطر فروغلطیدنشان در منجلاب فساد است به زن دارد ، زن هم به وجود مرد نیازمند است
و آفرینش ، آنها را به يك دیگر محتاج آفریده
واجب فرموده است .

ثانیاً اگر اسلام سهم زن را در ارث کمتر از آن است ، و در این احتیاج هر دوی آنها وضع مساوی
مرد قرار داد در عوض آن ، با مهری که به نفع دارند و لذا الزام یکی به دادن وجه (مهر) به
زن بر حسب اقتضای طبیعت ازدواج در نظر دیگری بدون دلیل خواهد بود» (۳)

گرفته و نفقه او را هم بر مرد واجب کرده ، می بینید که این گروه چگونه در تحلیل
این نقیصه مالی زن را به بهترین صورت جبران مسایل یا دچار اشتباه می شوند یا گرفتار غرب

(۱) منظور نویسنده قانون اساسی سابق است ولی در هر حال مسأله مهر چه در قانون اساسی باشد

یا نباشد از مسایل ضروری اسلام است .

(۲-۳) - مراجعه کنید به کتاب نظام حقوق زن در اسلام .

زدگی ! آنان می پندارند که مهر بخاطر اینکه اختیار مرد قرار نهد و باید وقار و متانت خود زن فاقد ارزش انسانی است و مرد ضمن يك را همواره حفظ کند .

ازدواج چون « کالا » او را خریداری می کند ، به هر حال ، اگر اضافه کنیم به مهر ، نفقه ای قرار داده شد ، در حالیکه در گذشته مقام زن را که مرد باید به زن بدهد می توان با قاطعیت را در قرآن نشان دادیم و تصویری از شخصیت والای این مرد آفرینان روزگار را به نمایش نهادیم هیچگونه تعدی به حقوق زن نشده و به شخصیت و گفتیم از دیدگاه آئین فطرت اسلام ، بین زن اقتصادی و استقلال مالی او نیز لطمه ای وارد و مرد هیچ تفاوتی از لحاظ ارزشهای اصیل انسانی نگردیده است .

و اسلامی جزیه علم ، ایمان ، تقوای و مجاهد ، در راه خدا وجود ندارد .

این گونه افراد اگر به جای خود باختگی و اسلام برای زن در نظر گرفته و استقلال اقتصادی غرب زدگی ، چنین مسایلی را با توجه به ریشه که این آئین به او داده يك نظر کنیم ، تصدیق تاریخی آن و رابطه اش با اقتضای ازدواج ، با خواهیم کرد که بهره مالی زن در جمع می تواند استفاده از رهنمودهای اسلام و قرآن ، مطالعه بیشتر از مرد باشد .

کنند هرگز مرتکب چنان خطاهای بزرگ نخواهند که با وجود شرائطش صورت می گیرد ، مخصوص خود زن است و مرد حق ندارد در ستاوردهای

حقیقت این است که مهر يك « پیشکش » و « هدیه » است ، چنانکه قرآن مجید در این مورد

« و اتوا النساء صدقاتهن نحلة » (۴) و « عطیه » و « هدیه » بدهید .

چون قانون خلقت ، جمال ، غرور و بی نیازی استقلال اقتصادی زن نیز کاملاً محفوظ است ، را در زن ، و نیازمندی عشق و طلب را در مرد و مرد حق مداخله در سود سودهای اقتصادی

قرار داده ، از اینرو بسیار طبیعی خواهد بود زن را نخواهد داشت .

که مرد متغزل و طالب وصال زن ، به نشان عشق و طلبش ، هدیه ای به پیشگاه او تقدیم است ؟

مفسر عالی مقام و فیلسوف بلند آواز اسلام غلامرضا طباطبائی در جلد چهارم تفسیر بزرگ «المیزان» آنجا که بحث ارث را پیش می کشد با تتبع کامل مساله را مورد بررسی قرار داده و روشن می سازد که خرج و حق زن در امور

مهر زن با حیاء و عفاف او يك ریشه و ارتباط دارد ، زن به الهام فطری دریافته که عزت و احترامش به این است که خود را رایگان در

مالی در جامعه اسلامی بیشتر از مرد است . گاهی در این زمینه ، سخت تحت تأثیر کیفیت محقق نامبرده پس از تشریح قطور قانون ارث و روابط جوامع غربی بایکدیگر قرار دارند از نظر در طول تاریخ و مطالعه آن در رابطه با کشورهای آنها ملتی متمدن است که چگونگی روابط افراد غربی و اروپائی می نویسد :

اجامعه یا خانواده اش را با یکدیگر به گونه ای از نظر اسلام در يك مقياس کلی ، ثروتهای بسازد که در غرب ساخته شده است .

جهان از نظر تملك و خرج آن به يك سوم و این طرز تفکر غلط و خطرناك ، بزرگترین دو سوم قابل تقسیم است . (البته با صرف نظر عامل بدبختی و علت عقب افتادگی ملل شرق از جنبه های جزئی فروضی که در مساله تقسیم زمین به ویژه ملتهای اسلامی بوده و هست . ارث یا موارد دیگر وجود دارد) .

چرا مسلمانان با برخورداری از تعالیم حیات بخش فرض کنید يك سوم ثروتهای جهان از جهت اسلام ورهنمودهای خرد پسند این آئین ، چنین تملك در اختیار زن است و دو سوم دیگر آن در دچار خود باختگی گردیدند ؟

ملکیت مرد . اما چون نفقه زن به عهده مرد استم خود کم بینی ملتهای اسلامی و از یاد بردن و زن در حفظ دستاوردهای اقتصادش مستقل ارزشهای اصیل فرهنگ اسلام ، معلول همین غرب می باشد و می تواند آن را نگهدارد ، سرانجام امکان زندگی است که بسیاری از نوکران احياناً بدون احتمال خرج دو سوم مرد و پس انداز يك سوم مزد آنها از آن تبلیغ و حمایت کرده و می کنند !! زن باقی خواهد بود .

تا زمانی که ملت ما و تمام ملل اسلامی از اسارت غرب زدگی رهائی نیابند و به خویشتن باز

پاسخ يك ایراد

در اینجا ممکن است برخی ایراد کنند که چرا نگردند و اساس زندگی مادی و معنوی خود را به زن باید مهر داده شود و نفقه او را مرد متکفل بر رهنمودهای آئین فطرت اسلام بنیان نهند و کرد بعداً سهم الارث زن کمتر از مرد باشد و اصالت فرهنگ اسلامی را حفظ نکنند ، فرشته که موجب تبیض و احتمالاً عامل ایجاد عقده ها ، سعادت و آزادی را در آغوش نخواهند کشید خواهد بود ؟

پس اگر رهبر انقلاب بادرکی درست همواره

پاسخ این است که مهر یا نفقه زن چنانکه ضمن بیانات خود ، سخت از نابودی فرهنگ اسلامی گفتیم بر حسب مصالحی که از هدایت فطری ، ابراز وحشت و نگرانی می کنند و از ملت مسلمان ناشی گشته مورد تصویب اسلام قرار گرفته است ، ایران و همه کشورهای اسلامی می خواهند تا مهر نشانه عشق و طلب مرد و نفقه حق لازمی به تعالیم آسمانی اسلام رو آورند و خود را از در برابر تلاش زن در خانه شوهر است .

یوغ استعمار شرق و غرب در پناه فرهنگ بی- با این بیان ، اسلام هیچگاه مساوات غیر منطقی نیاز اسلامی برهاند سخت بیجا و سزاوار سپاس و ظالمانه را حاکم بر مصالح انسانی و اصول است .



خانوادگی نمی سازد بدبختانه ، بسیاری از خردم .
گیران مسایل اسلامی ، علاوه بر عدم آگاهی